

شرح رساله حقوق

آخرین فراز از این فقره از رساله الحقوق امام سجاد این است: «وَحُسْنُ الْمُنَاجَاةِ لَهُ فِي نَفْسِهِ وَالطَّلَبُ إِلَيْهِ فِي فَكَاکِ رَقَبَتِكَ الَّتِي أَحَاطَتْ بِهَا خَطِيئَتُكَ وَاسْتَهْلَكْتُهَا ذَنْبُكَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». می‌فرماید: و راز و نیاز نیکو با خداوند تبارک و تعالی. در حال نماز می‌گویند باید در دل، راز و نیاز نیکو با خداوند تبارک و تعالی داشته باشد، و از او درخواست کنید که جانت را رها کند؛ آن جانی که خطاها و گناهانت آن را احاطه کرده و به نابودی کشانده است. آخرین فراز در واقع یک نکته‌ای را می‌خواهد بیان کند. تا اینجا چند مطلب را امام سجاد فرمود:

مطلب اول، دو حق برای نماز برشمرد: «أَنَّهَا وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ» و «أَنَّكَ قَائِمٌ بِهَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ». این دو حق نماز است، یکی اینکه بدانی نماز یک مرکبی است برای تو به سوی خداوند تبارک و تعالی، یک وسیله‌ای است برای ورود به درگاه الهی. دوم اینکه بدانی تو با نماز در مقابل خدا می‌ایستی. نماز تو را به درگاه خدا می‌رساند؛ مرکبی است که تو را به آن نقطه می‌رساند. و تو باید بدانی وقتی بر این مرکب قرار می‌گیری، یعنی در مقابل چه کسی ایستاده‌ای.

مطلب دوم این بود که حالا که این را دانستی که نماز چیست و تو در برابر چه کسی ایستاده‌ای، چند کار باید بکنی: ۱. خضوع و خشوع قلبی؛ ۲. خضوع و خشوع عملی که توضیحاتش داده شد. یعنی خضوع و خشوع اعم از جوانحی و جوارحی. این را هم ما توضیح دادیم.

راز و نیاز نیکو و طلب با تمام وجود

مطلب سوم این است (این غیر از آن خضوع و خشوع است؛ آن را که فرمود، این یک مطلب سوم است که امام سجاد اینجا می‌فرماید: «وَحُسْنُ الْمُنَاجَاةِ لَهُ فِي نَفْسِهِ وَالطَّلَبُ إِلَيْهِ فِي فَكَاکِ رَقَبَتِكَ».

اینکه انسان در درونش و از عمق وجودش متوجه خداوند بشود و با او راز و نیاز بکند. «حُسْنُ الْمُنَاجَاةِ لَهُ فِي نَفْسِهِ»؛ حسن مناجات یعنی در دلش، به زبان که معلوم است، موقع نماز اذکار و اوراد خاصی دارد، باید آن‌ها را بگویند، اما این باید ریشه در درون او پیدا کند. این مبدل به یک راز و نیاز نیکو از درون او شود. آن وقت این راز و نیاز باید با یک درخواست و طلب تمام‌عیار مواجه شود. هر وقت که انسان نماز می‌خواند، باید این حالت در او باشد. «طَلَبُ إِلَيْهِ فِي فَكَاکِ رَقَبَتِكَ»؛ اینطوری گمان کند و خودش را این چنین ببیند که انواع و اقسام خطاها و گناهان، او را احاطه کرده و نابود کرده است.

همانطور که جسم انسان اگر محاط به بیماری‌ها شود، سلامت در خطر قرار بگیرد، مانند هلاکت است، فرض کنید کسی که تمام وجودش را بیماری فرا گرفته، مثل این است که هلاک شده. بیماری‌های روحی هم همین‌طور است. کسی که محاط به گناه است، گناه او را احاطه کرده، به هلاکت کشانده می‌شود. لذا این چیزی است زائد بر آن حالت خضوع و خشوع قلبی و جوارحی. این غیر از آن است. آن خضوع و خشوع به جای خود (الذلیل، الراغب، الراهب، الخائف، الراجی، المسکین، المتضرع، المعظم من قام بین یدیه بسکون و الاطراق و خشوع الأطراف و لین الجناح). اینکه اعضا و جوارحش افتاده و فروتن باشد. اینکه خود را ذلیل و حقیر و ناچیز و در عین حال امیدوار و نالان قرار دهد. اینها به جای خود. غیر از آن حالت، خضوع و خشوع قلبی باید در دل، از عمق وجود، راز و ویزی با خدا کند. یعنی این یک گام رو به جلو است. اول، خود را هیچ بیندارد، البته هیچی که ناامید نباشد؛ هیچ، و در عین حال امیدوار به اتصال به معدن بی‌نهایت، معدن لایتناهی الهی. یک گام جلوتر این است که او را آماده می‌کند برای یک راز و

نیاز عمیق با خداوند. این «حُسْنُ الْمُنَاجَاةِ»؛ اصلاً مناجات یعنی چه؟ از نجواست. اینکه گویی انسان با خداوند درد و دل می‌کند، راز و نیاز می‌کند، گفتگو می‌کند. یعنی خود را مثل یک گنهکار هلاک‌شده فرض کند و واقعیت هم همین است. تمام وجودش در هر نمازی باید این چنین باشد: یکپارچه طلب، یکپارچه نیاز، مثل یک عبد فراری و مجرم که وقتی نزد مولا برمی‌گردد، چگونه خوف دارد که مجازات شود و تمام وجود او، مخصوصاً اگر از جای دیگر قطع امید کرده باشد، تمام وجودش می‌شود درخواست و طلب برای رهایی از این وضعیت. خودش را از هلاکت نجات بدهد، «أَنْ يُنْقَذَ نَفْسُهُ مِنَ الْهَلَاكَةِ». و در عین حال یک مناجات و گفتگو و راز و نیاز عمیق، و از عمق دل، با خداوند تبارک و تعالی داشته باشد. این هم این مطلب سومی است که امام سجاد می‌فرماید.

منتها باز مثل برخی از فقرات گذشته، از آنجا که این کار کار آسانی نیست، می‌فرماید: «وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». این جز به قوه الهی و مساعدت و کمک و یاری خداوند شدنی نیست. اینکه ما بخواهیم یک نمازی بخوانیم که حق آن را ادا کنیم، اینکه نماز ما همراه با خشوع و خضوع قلبی و راز و نیاز نیکو باشد، آن خضوع و خشوع قلبی انسان را آماده می‌کند برای راز و نیاز، لذا یک معنای جدا از آن دو تا دارد.

سه مطلب را بعد از علم و معرفت جایگاه نماز و اینکه ما در مقابل چه کسی هستیم، به ما گوشزد می‌کند سه تا کار، سه تا وظیفه: ۱. اینکه باید قلب ما و دل ما خاضع و خاشع باشد. ۲. ظاهرمان، حرکاتمان، بدنمان هم خاضع و خاشع باشد. ۳. از عمق قلب و روح و جانمان هم به خدا راز و نیاز کنیم. و این جز با کمک خداوند میسر نیست. این هم حق نماز.

«الحمد لله رب العالمین.»